

نسبت ما ایرانیان با فناوری در صد سال اخیر، هم با مفهوم مقاومت فرهنگی در برابر نوآوری و هم با مفهوم الگوهای انطباق با فناوری قابل توضیح است. حساسیت تاریخی مردم ایران نسبت به نفوذ قدرت‌های خارجی و رسوخ فرهنگی آنان به جامعه‌ی ایرانی، و هم‌چنین بدگمانی ایرانیان نسبت به دولت‌های شبه‌مدرن و وابسته‌ی پهلوی در مدرنیته کردن فرهنگ و جامعه‌ی ایرانی، بخش عظیمی از مقاومت فرهنگی این جامعه نسبت به دستاوردهای فنی و فکری تمدن غرب را توضیح می‌دهد.

در عصر پهلوی‌ها و حتی در اواخر دوره قاجاریه، بخشی از مردم ایران بیمناک بودند که مبادا ورود عناصر فرهنگی غربی به کشور، نهایتاً به سکولاریسم بینجامد؛ یعنی آن‌چه که نه تنها دشمن دین، بلکه دشمن اخلاقیات مبتنی بر دین تلقی می‌شد. بر این اساس، مقاومت بخشی از جامعه‌ی ایرانی نسبت به پدیده‌های نوینی هم‌چون برق، تلفن، اتومبیل، هواپیما، دوربین عکاسی، مدرسه و دانشگاه جدید، فوتبال، کت و شلوار، شناس‌نامه، خدمت سربازی، بلندگو، و رادیو و تلویزیون را باید در بافت و زمینه‌ی سیاسی-تاریخی کلان‌تری دید که یک وجه آن، را بدگمانی به مدرنیته‌ی غربی، و وجه دیگر آن را سوءظن نسبت به سلطه‌ی قدرت‌های خارجی تشکیل می‌دهد.

با پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر بافت و زمینه‌ی سیاسی، همگان آگاه شدند که انقلاب اسلامی و رهبران و ایدئولوگ‌های آن، به هیچ‌وجه با نهاد فناوری خصومتی ندارند، بلکه با سوءاستفاده از فناوری مخالف‌اند. امام خمینی (ره) پس از ۱۵ سال دوری از وطن، در یکی از اولین سخن‌رانی‌هایشان، نگرش خود را درباره‌ی فناوری (به ویژه فناوری‌های رسانه‌ای) این‌گونه ابراز داشتند: «ما با سینما،

رادیو و تلویزیون مخالف نیستیم. ما با فساد و فحشا مخالفیم». از موارد خاصی مثل ویدیو، ماهواره و اینترنت که بگذریم، سایر پدیده‌های نوین در جامعه‌ی ایران پس از انقلاب بدون مقاومت و بعضاً با کمترین مقاومت، پذیرفته شده‌اند. برای مثال، تلفن همراه، رایانه، مراکز خرید مدرن، کافی‌شاپ‌ها، انواع کالاها و خدمات ظاهراً بی‌مقاومت و زیبا سازی بدن. به نظر می‌رسد، احتمال تکرار هراس‌های اخلاقی^۱، به سبکی که در مورد ویدیو در دهه‌ی ۱۳۷۰ در ایران رخ داد، در آینده کاهش پذیرد، اما مسئله‌ی مهم‌تر از آن نحوه‌ی انطباق رفتاری مردم با فناوری‌های نوظهور است. نوآوری در فناوری، در کنار کارکردهای اندیشیده و آشکار آن، اغلب فرصت‌های جدیدی را برای انحراف (به‌عنوان بخشی از کارکردهای نیندیشیده و پنهان) در اختیار افراد قرار می‌دهد. دانشمندان علوم رفتاری از مدت‌ها پیش اذعان داشته‌اند که فناوری، بر رفتار انسانی اثرگذار است؛ هرچند معمولاً بین پیدایش یک فناوری و انطباق رفتاری افراد جامعه با آن، تأخیر^۲ یا تأخیری به وجود می‌آید.

ویلیام آگبرن (۱۹۶۴)، با طرح مفهوم «تاخر فرهنگی»^۳ این ایده را مطرح کرد که تحول در فرهنگ غیرمادی کندتر از تحول در فرهنگ مادی رخ می‌دهد. در نتیجه، تحول فناورانه ما را به اتخاذ الگویی از میان الگوهای انطباق فرا می‌خواند. برخلاف عده‌ای از نویسندگان که معتقدند، تاخر فرهنگی و انطباق فرهنگی، خاص جوامع غیرغربی یا در حال توسعه است، نگارنده بر این باور است که در هر دو نوع جامعه شاهد حضور چنین روندی بوده هستیم. به این معنی که در هر دو نوع جامعه امکان استفاده منجرانه از انواع فناوری‌ها وجود دارد. مصادیقی از اینگونه تأخرات فرهنگی را می‌توان در مورد تلفن، تلفن همراه و رایانه‌های شخصی دید. پدیده‌ی مزاحمت تلفنی سال‌ها

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال جامع علوم انسانی

آموزش شهروندی فناورانه

باعث سلب آسایش خانواده‌های ایرانی شده بود. حجم زیادی از مکالمات و محتوای پیام‌های کوتاه از طریق تلفن همراه به موضوعاتی (عواطف و افکار عمومی پنهانی) اختصاص یافته است که شاید هرگز بر ذهن سازنده‌ی این فناوری خطور نکرده بود. رایانه نیز، چه در خود جوامع سازنده‌ی آن، و چه در سایر جوامع، چنین سرنوشتی داشته است. اگر در آن جوامع رایانه‌ی متصل به اینترنت، ابزار تسهیل رفتار ناشایست و منحرفانه است، در جامعه‌ی ما نیز عده‌ای از کاربران از رایانه عمدتاً برای دیدن فیلم و از اینترنت برای چت کردن استفاده می‌کنند. این‌ها همه نشانه‌ها و مثال‌هایی است از الگوهای انطباق یک جامعه با انواع فناوری‌ها. خطاست اگر چنین الگوی انطباقی را مصداق «چهل تکه‌سازی مقاومت‌گونه»^۵ کاربران خلاق و فعال فناوری در ایران در برابر فرهنگ رسمی یا مسلط تلقی کنیم و آسیب‌های موجود در آن را نبینیم. این هم خطاست که با «نوستالژی‌ها»^۶، به یاد «ایام خوش گذشته» بیفتیم و آرزوی بازگشت به گذشته‌ی ماقبل فناوری مدرن را در سر بپرورانیم و خود را از مواهب و خدمات فناوری برای سعادت و رفاه انسان‌ها محروم کنیم. راه چاره‌ی ما روی آوردن به آموزش «شهروندی فناورانه»^۷ است که در ادبیات تخصصی دارای معادله‌هایی به این شرح است: شهروندی دیجیتال^۸، الکترونیکی^۹، مجازی^{۱۰}، شبکه‌ای^{۱۱} و سایبرگ^{۱۲}.

منظور از شهروندی فناورانه چیزی نیست جز پذیرش هنجارهای رفتاری در خصوص استفاده از فناوری. این هنجارها همانگونه که «میشل ریل» و همکاران می‌نویسند در نه بخش قابل دسته‌بندی هستند:

● آداب^{۱۳} استفاده از فناوری که همان استانداردهای رفتاری در مورد استفاده از فناوری است. مثلاً هنگام صحبت چهره‌به‌چهره با یک فرد، آیا استانداردهای رفتار مؤدبانه در یک جامعه، اقتضا می‌کند که به زنگ تلفن همراه پاسخ داد و یا آن را موقتاً قطع کرد تا گفت‌وگوی چهره‌به‌چهره تمام شود؟ چنین سؤالی در مورد استفاده از تلفن همراه در کلاس درس، مدرسه و دانشگاه، یا جلسات اداری و غیراداری هم قابل طرح است؛ همین‌طور ارسال و دریافت پیام‌های کوتاه هنگام حضور در کلاس.

● ارتباطات دیجیتال، به‌ویژه از طریق ارسال پیام کوتاه و پست الکترونیکی، نحوه‌ی ارتباط کاربران با همدیگر را متحول ساخته است. باید مواظب بود که عدم استفاده صحیح از دستور زبان و استفاده از اصطلاحات روزمره^{۱۴} و حروف اختصاری^{۱۵}، به شکل‌گیری عادت‌های بد در نگارش رسمی (مقاله، پایان‌نامه و کتاب) منجر نشود.

● تدریس با استفاده از فناوری‌های آموزشی نیز مستلزم آگاهی از نحوه‌ی کاربرد فناوری برای جست‌وجوی اطلاعات علمی، و هم‌چنین استفاده از power point و سایر ابزارهای آموزشی است.

● دست‌رسی آسان و برابر به فناوری نیز، یکی دیگر از مؤلفه‌های شهروندی فناورانه است. باید نحوه‌ی نظارت خانواده‌ها و مدارس بر

استفاده‌ی جوانان از اینترنت تعریف شود؛ به گونه‌ای که تفاوت‌های منطقه‌ای، طبقاتی، جنسیتی و قومی باعث ایجاد محدودیت یا تبعیض در دست‌رسی به اینترنت نشوند.

● تجارت دیجیتال نیز یکی دیگر از مؤلفه‌های شهروندی فناورانه است. لازم است که نحوه‌ی خرید و فروش کالاها و خدمات از طریق اینترنت آموزش داده شود. هم‌چنین، امکانات و مزایای دولت الکترونیکی به اطلاع عموم برسد و استفاده از انواع کارت‌های اعتباری ترویج شود.

● آموزش احساس مسئولیت برای عدم ذخیره‌سازی اطلاعات غیرمجاز یا نامناسب از اینترنت، و عدم سرقت ادبی از منابع علمی موجود در اینترنت، بخش دیگری از شهروندی فناورانه را در بر می‌گیرد.

● رعایت حقوق مادی و معنوی آثار تولید شده روی اینترنت نیز یکی دیگر از ابعاد شهروندی فناورانه محسوب می‌شود.

● حفظ سلامت فیزیکی کاربران فناوری از طریق رعایت اصول «ارگونومیک»^{۱۶} در تولید میز و صندلی و سایر تجهیزات مرتبط با محل یا محیط کاربری، مثل نور و صدا، مؤلفه‌ی دیگری از شهروندی فناورانه را شکل می‌دهد.

● امنیت دیجیتال یا آموختن شیوه‌های مراقبت از اطلاعات نگه‌داری شده در رایانه در برابر ویروس‌ها و به روز کردن نرم‌افزارهای ضد ویروس و تهیه‌ی فایل‌های پشتیبان^{۱۷} از همه‌ی فایل‌های حساس و مهم، بخش دیگری از شهروندی فناورانه را در بر می‌گیرند.

اگر قرار است که فناوری خادم انسان‌ها باشد و نه سرور آنان، در این صورت آموزش شهروندی فناورانه ضرورت غیرقابل انکاری پیدا می‌کند.

زیر نویس:

1. Moral Panics
2. Adaptation
3. Delay
4. Cultural lag
5. resistive Bricolage
6. Nostalgia
7. Technological citizenship
8. Digital citizenship
9. Electronic citizenship
10. Virtual citizenship
11. Network citizenship
12. Cyborg
13. Etiquette
14. Slang
15. Abbreviations
16. Ergonomics
17. Backup files

منبع:

Ribble, Mike S.; Bailey, Gerald D. and Ross, Tweed W. (2004) Digital citizenship: Addressing appropriate technology behavior, ISTE (International society for technology Education).